

شخصیت‌شناسی احمد بن ادریس قمی

سیدجمال‌الدین موسوی *

چکیده

احمد بن ادریس قمی از طایفه اشعری و از راویانی است که او را به وثاقت ستوده‌اند. دارای کتابی به نام نوادر بوده و جنبه انتقال دهندگی میراث حدیثی اصحاب در او برجسته است. وی میراث روایی فراوانی را از حوزه کوفه و مناطقی مانند نیشابور با واسطه احمد بن محمد بن عیسی و به همراه افرادی مانند سعد بن عبدالله، حمیری و محمد بن یحیی العطار و یا به طور مستقیم به قم انتقال داده است. در بسیاری موارد از افراد متهم به جعل و وضع و غلو روایت نموده و مانند استادش احمد اشعری هیچ‌گاه چنین اتهاماتی متوجه خود او نبوده است. بررسی روایات احمد بن ادریس از بهترین شواهد بر متن محور بودن قدما در پذیرش و یا رد روایات است.

کلید واژه‌ها: احمد بن ادریس، حوزه حدیثی قم، میراث حدیثی کوفه.

راویان حدیث شیعه، میراث بانان فرهنگ تشیع هستند که با کوشش و مجاهدت خستگی ناپذیر خود، این میراث گران بها را به نسل های بعدی خود منتقل کرده اند. این ویژگی در دوره غیبت صغرای امام دوازدهم اهمیت خاصی پیدا می کند، زیرا دوران حضور امام معصوم در میان مردم به سر آمده و شیعیان در حیرت و سرگردانی به سر می برند و تنها راه ارتباط با امام، از طریق نایب خاص است. در این دوره بر اثر وسعت و پراکندگی جغرافیایی شیعه که در سجستان، طبرستان، قم و برخی نواحی خراسان، خوزستان، کوفه و دیگر شهرها وجود داشت، هم چنین ضعف حکومت مرکزی و وجود فتنه و آشوب های مختلف در بلاد اسلامی و پیدایش مدعیان ارتباط با امام عصر و فرق مذاهب گوناگون عقیدتی، بنیان نهادن فرهنگ اصیل شیعی و نظریه های اعتقادی و فقهی بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام امر مهمی به شمار می آمد این کار فقط بر عهده علما، فقهاء و راویان شیعه بود.

احمد بن ادریس قمی یکی از راویان مکتب حدیثی قم است که دوران حضور معصوم را درک کرده و بیش از نیمی از عمر خود را در دوران غیبت صغری گذرانده است.

درباره این راوی نیز، مانند بسیاری از راویان دیگر، بررسی جامع و مفصل انجام نشده است و در کتب رجال و تراجم جز چند سطر که در تمامی کتاب ها مشترک است، مطلب دیگری به چشم نمی آید. شاید علت این امر، اندک بودن مطالب و منابع در این زمینه است اما به هر حال می توان با مراجعه به کتب رجال و منابع فهرستی، اطلاعاتی هر چند اندک یافت و زوایای زندگی این راوی بزرگ شیعه را آشکارتر نمود.

احمد بن ادریس قمی از راویانی است که مقبولیت عام داشته و دارای افکار خاص و یا روایات شاذ و نادر نیست. نقل بدون واسطه کلینی در بسیاری از روایات کافی از احمد بن ادریس خود گواه بزرگی و عظمت او است.

شاخصه های فردی

نام او احمد فرزند ادریس و به احمد بن ادریس قمی معروف است. در کتب رجال و تراجم شیعه، نام او احمد بن ادریس بن احمد می باشد و نجاشی نام او را «احمد بن ادریس بن احمد ابوعلی الأشعری القمی» ثبت نموده است.^۱ اما ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان به نقل از کتاب تاریخ ری نام او را «احمد بن ادریس بن زکریا بن طهمان» ذکر کرده است.^۲

با توجه به دو نقل مذکور، در نام جد ایشان اختلاف نظر وجود دارد، برخی نام او را زکریا و برخی احمد ذکر کرده اند، اما از آنجا که کتاب تاریخ ری موجود نیست، و با یک واسطه برای ما نقل شده است - نقل ابن

۱. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۹۳.

۲. ر.ک: لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۶.

حجر به نقل از تاریخ ری - و نجاشی بدون واسطه آن را نقل کرده است، احتمال خطا در گزارش نجاشی کم تر است؛ اما دو سند روایت در کتاب فرحة الغری ص ۷۸ و بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۱۲۱ وجود دارد که در آن نام احمد بن زکریا طهمان آمده؛ با توجه به این که این فرد از «حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره» در فرحة الغری و «حسن بن عبدالله بن مغیره» در بحار الأنوار نقل کرده است: این فرد همان احمد بن ادریس است، زیرا حسن بن عبدالله بن مغیره از مشایخ احمد بن ادریس است. بنابراین دو روایت مذکور - که در واقع یک روایت هستند به دلیل نقل بحار از فرحة الغری - دلالت می کند که نام جد او زکریا است.

کنیه وی ابوعلی الاشعری است که در بسیاری موارد با این نام در اسناد روایات ذکر شده است گرچه با نام احمد بن ادریس نیز فراوان وجود دارد.

این کنیه مشترک بین «احمد بن ادریس قمی» و «محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک» و «احمد بن اسحاق بن عبدالله» است.

نجاشی درباره محمد بن عیسی بن عبدالله می گوید: محمد بن عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک الاشعری ابوعلی شیخ بزرگ قمی ها بوده و بر امام رضا علیه السلام وارد شده و از ایشان روایت شنیده است. از امام جواد علیه السلام نیز نقل روایت دارد. کتاب خطب از اوست.^۳

احمد بن اسحاق بن عبدالله نیز از بزرگان اشعری و قمی بوده که نام او احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد مالک بن الاحوص الأشعری است و با قمی ها در ارتباط بوده و از امام جواد و امام هادی علیه السلام روایت نقل می کند و طبق نقل نجاشی از اصحاب خاص امام حسن عسکری علیه السلام نیز بوده است. کتاب علل الصوم که کتاب بزرگی بوده و هم چنین مسائل الرجال را از امام هادی علیه السلام جمع آوری نموده است.^۴

طبق ادعای مرحوم *تستری در قاموس الرجال*^۵، این کنیه مخصوص ابن ادریس است و محمد بن عیسی بن عبدالله در همه اسناد با نام ذکر شده است، بنابراین مراد از این کنیه به صورت مطلق، ابن ادریس خواهد بود. لقب دیگر این راوی، المعلم بوده که شیخ طوسی آن را عنوان نموده است. شیخ در کتاب *رجال* در باب اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نام او را ذکر کرده و ملاقات با امام و عدم نقل از ایشان را نیز ضمیمه نموده است.^۶

ظاهراً مراد از معلم همان معنای امروزی آن است و در آن دوره به فردی اطلاق می شده که به اطفال تعلیم می داده و به اصطلاح مکتب داشته است.

دو لقب دیگر این راوی که در کنار اسم او ذکر می شود لقب اشعری و قمی است.

یکی دیگر از القاب احمد بن ادریس، قواد است که در عبارت شیخ طوسی آمده است.

۳. ر.ک: *رجال نجاشی*، ص ۳۳۹.

۴. ر.ک: همان، ص ۹۱.

۵. ر.ک: *قاموس الرجال*، ج ۱۱، ص ۴۲۷.

۶. ر.ک: *رجال طوسی*، ۳۹۸.

«احمد بن ادریس القمی یکنی ابا علی و کان من القواد؛^۷ احمد بن ادریس قمی، کنیه او ابا علی است از بزرگان بود.»

از لحاظ لغوی قواد به معنای فرمانده و پیشاهنگ و کسی که رئیس و سر دسته یک طایفه باشد، اطلاق می‌شود و به معنای رئیس و بزرگ قوم است؛ مؤید این معنا عبارت ابن طاووس هنگام نقل یک روایت از او است.
ابن طاووس می‌گوید:

«حدثنا ابو محمد هارون بن موسى رضی الله عنه قال حدثنا ابو علی الاشعری وکان قائداً من القواد عن سعد بن عبدالله بن ابی خلف...^۸ ابو محمد هارون بن موسی که رحمت خداوند بر او باد روایت می‌کند که گفت ابو علی اشعری برای ما روایت کرد و ابو علی بزرگی از بزرگان بود. از سعد بن عبدالله بن ابی خلف...»
تاریخ ولادت این روای نیز مانند بسیاری از روایان معلوم نیست و در کتب شرح حال نگاری مطلبی در این باره وجود ندارد. اما تاریخ وفات او را همگان ثبت کرده‌اند. نجاشی و شیخ طوسی در فهرست وفات او را سال ۳۰۶ق در منطقه‌ای به نام قرعاء ضبط کرده‌اند. دیگران مانند علامه و ابن داوود نیز همین تاریخ را نگاشته‌اند. نجاشی در این باره می‌گوید:

«احمد بن ادریس بن احمد ابو علی الاشعری القمی کان ثقة فقیها فی اصحابنا کثیر الحدیث، صحیح الروایة له کتاب نوادر، اخبرنی عدة من اصحابنا اجازة عن احمد بن جعفر بن سفیان عنه و مات احمد بن ادریس بالقرعاء سنه ست و ثلاثمئة من طریق مكة علی طریق الکوفة؛^۹ احمد بن ادریس بن احمد ابو علی اشعری قمی، ثقة و مورد اعتماد و فقیه در میان اصحاب ما است. روایات او زیاد و صحیح است کتاب نوادر از اوست. عده‌ای از اصحاب این کتاب را برای من به صورت اجازه از احمد بن جعفر بن سفیان از ابن ادریس نقل کرده‌اند. احمد بن ادریس در سال ۳۰۶ق در قرعاء میان مکه و کوفه از دنیا رفته است.»

ابن حجر عسقلانی نیز تاریخ وفات وی را سال ۳۰۶ق می‌داند و او را از بزرگان مصنفین رافضه می‌شمارد. طبق این نقل ابن ادریس به قصد مکه از قم خارج شده و از ری عبور کرده و بین مکه و کوفه وفات نموده است.^{۱۰}

با توجه به عبارت نجاشی و دیگران مکان دقیق وفات وی، منطقه قرعاء بوده که مکانی بی‌آب و علف است. این منطقه در نزدیکی کوفه قرار دارد.^{۱۱}

^۷. رجال طوسی، ص ۴۱۱.

^۸. فلاح السائل، ص ۲۸۹.

^۹. رجال نجاشی، ص ۹۲.

^{۱۰}. ر.ک: لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۳۶.

^{۱۱}. قرعاء مونث کلمه اقرع است و علت نام گذاری این منطقه کم بودن گیاه در آن است. منزلی است در راه کوفه به مکه که بعد از مغیثه

از عبارات ذکر شده درباره وفات احمد بن ادریس به دست نمی آید که او به مکه نرسیده وفات نموده و یا این که بعد از انجام اعمال حج در راه برگشت در قرعاء وفات یافته است.

ارتباط علمی

الف. اساتید

اساتید احمد بن ادریس حدود ۲۵ نفرند که اسامی آنها در کتب اربعه موجود است. برخی از این افراد جزء مشایخ بزرگ حدیثی شیعه به شمار می آیند افرادی مانند احمد بن محمد بن خالد برقی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری و محمد بن عبدالجبار قمی. پرتعدادترین این اساتید از لحاظ تعداد روایات پنج نفرند که به بررسی آنها پرداخته می شود.

۱. حسن بن علی بن عبدالله بن مغیره

نام وی در اسناد روایات با عنوان **حسن بن علی کوفی** آمده است. این فرد امامی و ثقة است و ابن ادریس ۸۹ روایت در کتب اربعه از او نقل کرده است. وی از مشایخ روایی ابن ادریس است که روایات زیادی از او دارد. در کتاب **کافی** در بسیاری از موارد از او با عنوان «**الحسن بن علی الكوفی**» یاد شده است. غالب روایات ابن ادریس از حسن بن علی کوفی فقهی بوده و تنها چهار روایت در جلد اول کافی^۱ که از نظر مضمون قابل توجه است. روایت اول در صفحه ۲۵۳ است و مضمون آن از دیاد علم امام در شب جمعه است. روایت دوم در صفحه ۳۴۰ و درباره غیبت امام زمان است. روایت سوم در صفحه ۳۹۵ و در مورد آمدن جن به نزد ائمه و سؤال از معالم دین است. روایت چهارم نیز در صفحه ۴۳۸ و درباره تفویض امور به ائمه علیهم السلام است. با توجه به موارد فوق می توان احمد بن ادریس را یکی از سر حلقه های انتقال میراث حدیثی کوفه به قم دانست، زیرا او میراث عقایدی و فقهی حسن بن علی کوفی را نقل نموده است. با توجه به این که احمد بن ادریس در طریق نقل کتاب حسن بن علی کوفی حضور ندارد به احتمال زیاد وی به کوفه رفته و احادیث را شفاهی نقل کرده است.

علاوه بر احمد بن ادریس، راویان برجسته دیگری از حوزه قم نیز با حسن بن علی کوفی در ارتباط بوده اند. حسن بن علی کوفی کتابی به نام نوادر داشته که راوی اول آن احمد بن محمد بن خالد برقی است.^{۱۲} محمد بن علی بن محبوب قمی نیز راوی اول کتاب حسن بن علی کوفی در فهرست طوسی است.^{۱۳} با توجه به این دو گزارش، احمد برقی و محمد بن علی بن محبوب اولین ناشران کتاب حسن بن علی کوفی در قم هستند. حسن بن متیل قمی از حسن بن علی کوفی کتاب ثابت بن شریح را نقل نموده^{۱۴} و سعد بن عبد الله نیز از حسن بن علی

و قبل از واقعه قرار دارد هنگامی که از کوفه به سمت مکه بیایی، بین مغیثه و قرعاء منطقه زبیدییه و مسجد سعد و الخیراء است. ر.ک:

معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۲۵.

^{۱۲}. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۶۳.

^{۱۳}. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۱۲۹.

^{۱۴}. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۱۶.

کتاب جدش عبد الله بن مغیره را نقل کرده است.^{۱۵}

۲. احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی

احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی با نام احمد بن محمد بن عیسی و احمد بن محمد در اسناد روایات وجود دارد و احمد بن ادریس ۵۳ روایت را از او نقل می‌کند. احمد اشعری از مشایخ پر روایت است و از میان مشایخ او می‌توان به حسن بن علی الوشاء، حسن بن علی بن فضال، حسن بن محبوب، حسین بن سعید اهوازی و احمد بن ابی نصر بزنطی اشاره کرد که این افراد جزء مشایخی هستند که احمد اشعری بیشترین تعداد نقل را از آنان دارد. علاوه بر این که احمد اشعری روایت مستقیم و بی‌واسطه نیز از امام کاظم، امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام دارد. با توجه به اطلاعات یاد شده می‌توان چنین گفت که احمد بن ادریس به واسطه احمد اشعری منتقل کننده بخشی از میراث حدیثی کوفه بوده است. وی هم چنین به همراه داود بن کوره، علی بن موسی بن جعفر، محمد بن یحیی و علی بن ابراهیم راوی کتاب‌ها و میراث حدیثی احمد اشعری است.^{۱۶} روایاتی که احمد بن ادریس از احمد اشعری در کتب اربعه روایت نموده نیز به احتمال زیاد از کتاب‌های اوست.

۳. محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری

این راوی با عنوان محمد بن احمد و محمد بن احمد بن یحیی در اسناد روایات کتب اربعه آمده است. احمد بن ادریس ۱۰۷ روایت از او نقل می‌کند. سه روایت مربوط به جلد اول کتاب کافی است که از احادیث اعتقادی بوده و بقیه موارد روایات فقهی هستند. محمد بن احمد بن یحیی ۱۹۵۸ روایت در کتب اربعه دارد که ابن ادریس حدود ۱۰۷ روایت را نقل کرده است. بنابراین ابن ادریس حدود هفت درصد از میراث حدیثی محمد بن احمد بن یحیی را نقل نموده است.

محمد بن احمد مشایخ زیادی دارد که مهم‌ترین آنها از نظر تعداد نقل عبارتند از: احمد بن حسن بن علی بن فضال، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسین بن ابی الخطاب و محمد بن عیسی بن عبید. بنابراین بخشی از میراث کوفه توسط محمد بن احمد به قم منتقل شده و احمد بن ادریس نیز ادامه دهنده همین مسیر است.

نجاشی وی را روایت کننده از ضعفاء و بی‌مبالات در اخذ حدیث و "ثقه فی نفسه" معرفی کرده است. محمد بن حسن بن ولید روایات محمد بن احمد از محمد بن موسی همدانی و روایاتی که "عن رجل" نقل نموده و بسیاری افراد دیگر را استثنا کرده است.^{۱۷}

نجاشی نام افراد زیادی را ذکر می‌کند که ابن ولید روایات محمد بن احمد بن یحیی را از آنها را استثنا کرده است. با مراجعه به روایاتی که ابن ولید از احمد بن ادریس از محمد بن احمد بن یحیی نقل کرده مشاهده می‌شود که در بسیاری موارد احمد بن ادریس روایاتی را از محمد بن احمد بن یحیی نقل می‌کند که او آن روایات را از افرادی نظیر جامورانی و سیاری و محمد بن عیسی بن عبید نقل کرده است و اینها از مواردی است

۱۵. ر.ک: همان، ص ۲۱۵.

۱۶. همان، ص ۸۳.

۱۷. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۴۹.

که ابن ولید آنها را استثنا نموده اما آنها را نقل کرده و در منابع موجود مانند تهذیب انعکاس یافته است.^{۱۸} شاید بتوان نقل ابن ولید در این موارد را اعتماد بر احمد بن ادريس و واسطه شدن وی در این گونه روایات دانست که در این صورت حکایت از مقبولیت تام و اعتماد کامل ابن ولید بر احمد بن ادريس است.

۴. محمد بن حسان رازی

این راوی با نام محمد بن حسان در اسناد روایات آمده است. احمد بن ادريس ۶۵ روایت را از او نقل می کند که اکثر آنها روایات فقهی هستند. نجاشی نام او را محمد بن حسان الرازی ابو عبدالله الزینبی ثبت کرده است و می گوید «يعرف وينكر» و از ضعفاً کثیراً روایت می کند.^{۱۹} ابن غضائری نیز در کتاب رجال، او را ضعیف می داند.^{۲۰}

این فرد ۸۶ روایت در کتب اربعه دارد و ابن ادريس ۶۵ روایت که حدود هشتاد درصد روایات اوست را نقل نموده که قابل توجه است. نکته مهم تر این که علاوه بر تضعیف محمد بن حسان در منابع رجال، مهم ترین استاد حدیثی او محمد بن علی ابو سمینه است که به کذب و غلو شهرت دارد. در جلد اول کافی که روایات اعتقادی است چهار روایت وجود دارد که احمد بن ادريس از محمد بن حسان رازی و او از محمد بن علی ابوسمینه نقل می کند. مضمون این روایات درباره غیبت و تشخیص صدق مدعی امامت و روایت تفسیری است.

۲۱

محمد بن یحیی العطار و احمد بن ادريس راوی اول کتاب های محمد بن حسان هستند.^{۲۲} به احتمال زیاد این دو نفر به ری رفته و روایات محمد بن حسان را شنیده و کتاب های وی را استنساخ کرده اند چنان که رویه غالب در انتقال میراث مکتوب این گونه بوده است.

۵. محمد بن عبدالجبار قمی

احمد بن ادريس ۸۳۱ روایت را در کتب اربعه از او نقل می کند و به لحاظ تعداد، بیش ترین روایت را از او نقل نموده است. از این تعداد ۵۹۳ روایت در کتاب کافی است. غالب روایت های ابن ادريس از محمد بن عبدالجبار، روایات فقهی است. این راوی با نام محمد بن عبدالجبار در اسناد روایات ذکر شده است. نام وی در کتب رجال محمد بن ابی الصهبان است. شیخ در رجال وی را قمی و ثقه و از اصحاب امام هادی علیه السلام معرفی می کند.^{۲۳}

در باب اصحاب امام جواد علیه السلام نیز نام او را ذکر کرده و توثیقی در مورد او ندارد.^{۲۴}

۱۸. ر.ک: تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۲ و ۲۶۲ و ۲۷۷.

۱۹. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۳۸.

۲۰. ر.ک: رجال ابن غضائری، ص ۹۵.

۲۱. ر.ک: کافی ج ۱، ص ۳۴۳ و ۳۴۵.

۲۲. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۳۸.

۲۳. ر.ک: رجال شیخ، ص ۳۹۱.

۲۴. ر.ک: همان، ص ۳۷۸.

در باب اصحاب امام عسگری علیه السلام نیز نام او را ذکر کرده و وی را قمی و ثقه می‌داند.^{۲۵}
در باب من لم یرو عنهم علیهم السلام نیز نام او را با عنوان محمد بن ابی الصهبان عبدالجبار ذکر می‌کند و توثیقی در مورد او ندارد.^{۲۶}

مرحوم خوینی در معجم رجال حدیث محمد بن عبدالجبار شیبانی را با محمد بن عبدالجبار و محمد بن ابی الصهبان متحد می‌داند و آنها را یک نفر معرفی می‌کند.^{۲۷}

به لحاظ آماری محمد بن عبدالجبار ۹۵۱ روایت در کتب اربعه دارد و ابن ادریس ۸۳۱ روایت را از او نقل نموده که رقم بالایی است و نشان از اعتماد ابن ادریس به او دارد. مشایخ مهم محمد بن عبدالجبار، حسن بن علی بن فضال، صفوان بن یحیی و محمد بن اسماعیل بن بزیع هستند. با توجه به کوفی بودن مشایخ محمد بن عبدالجبار، او نیز منتقل کننده بخشی از میراث حدیثی کوفه به قم است.

اساتید یاد شده مربوط به اساتید واقع در اسانید روایات و کتب اربعه است. با مراجعه به کتب فهرستی، افراد دیگری نیز اضافه می‌گردند. محمد بن حسن صفار در چهار طریق^{۲۸} و محمد بن علی بن محبوب در سه طریق^{۲۹} و علی بن احمد بن قتیبه نیشابوری در دو طریق^{۳۰} جزء مشایخ فهرستی احمد بن ادریس هستند.

با نگاهی به اساتید بی واسطه و با واسطه ابن ادریس، به این نکته پی می‌بریم که برخی از آنان تضعیف و حتی متهم به جعل و وضع شده‌اند و با این حال فردی مانند ابن ادریس از آنان روایت کرده و روایات آنان در کتب معتبری مانند کافی نیز انعکاس یافته است و این خود شاهدهی است بر متن محور بودن راویان نه راوی محور بودن آنان و شواهد فراوان دیگری نیز بر این مطلب وجود دارد.

ب. شاگردان

در اسناد کتب اربعه حدود ۱۰ نفر از ابن ادریس روایت نقل کرده‌اند. دو تن از این افراد فرزندان وی هستند که به آنها اشاره خواهد شد. مهم‌ترین این شاگردان چهار نفرند که بیش‌ترین تعداد نقل از ابن ادریس را دارا هستند.

۱. حسین بن علی بن سفیان البزوفری

این فرد ۲۶ روایت را از ابن ادریس در کتب تهذیب و استبصار نقل می‌کند. نام وی در اسناد روایات ابو عبدالله بزوفری و البزوفری آمده است. تمامی روایات وی از ابن ادریس فقهی بوده و در کتاب تهذیب و استبصار موجود است.

نجاشی نام او را حسین بن علی بن سفیان بن خالد بن سفیان ابو عبدالله البزوفری ضبط نموده و وی را شیخ و ثقه و جلیل‌القدر می‌داند. کتاب‌هایی مانند کتاب الحج، کتاب ثواب الاعمال و کتاب احکام العیید از وی است

۲۵. ر.ک: همان، ص ۴۰۱.

۲۶. ر.ک: همان، ص ۴۴۸.

۲۷. ر.ک: معجم رجال الحدیث، ج ۱۶، ص ۲۰۴.

۲۸. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۴۰ و ۷۸ و ۲۰۱.

۲۹. ر.ک: همان، ص ۷۹.

۳۰. ر.ک: همان، ص ۲۵۹ و ۳۰۷.

که نجاشی این کتاب (احکام العیید) را بر استاد خود ابو عبدالله قرائت کرده است.^{۳۱}

کنیه این فرد، ابی عبد الله است و در اسناد بسیاری از روایات ابن ادریس با همین کنیه آمده است.^{۳۲} شیخ طوسی گزارشی در کتاب الغیبه نقل کرده که ممکن است وکالت وی از ناحیه مقدسه را ثابت کند. فردی به نام حسن بن علی بن ابی طالب جرجانی از اختلاف مردی بر سر فرزند خود در قم گزارش می‌کند که آن مرد فرزند خود را نفی می‌کرده است. پس از مکاتبه با ناحیه مقدسه جواب نامه به دست شیخ که ظاهراً نایب دوم است می‌رسد و او از گشودن نامه خود داری کرده و آن را به ابی عبد الله بزوفری حواله می‌دهد. بزوفری نامه را گشوده و حکم امام را قرائت می‌کند.^{۳۳} مرحوم مجلسی در ذیل این روایت احتمال داده که وی از سفرای امام عصر باشد گرچه احتمالات دیگری را نیز مطرح کرده است.^{۳۴}

۲. علی بن حسین بن بابویه

نجاشی نام او را علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی ذکر کرده است و کنیه وی ابوالحسن بوده و شیخ قمی‌ها و فقیه و مورد اعتماد آنان در عصر خود بوده است. وی با ابوالقاسم حسین روح در عراق ارتباط داشته و نامه‌ای را توسط علی بن جعفر بن اسود به حسین بن روح می‌رساند که به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برساند و از امام علیه السلام تقاضای فرزند نموده است.

امام علیه السلام در جواب می‌نویسد برای تو دعا نمودیم خداوند دو فرزند پسر و خیر به تو عطا خواهد نمود که دو فرزند وی ابوجعفر شیخ صدوق و ابو عبدالله است و کتب زیادی داشته که از جمله آنها کتاب *التوحید*، کتاب *الوضوء*، کتاب *الصلوة*، کتاب *الجنائز*، کتاب *الامامة و التبصرة من الحيرة* است. علی بن حسین در سال ۳۲۹ ق در سال تناثر نجوم از دنیا رفته است.^{۳۵}

روایات ابن بابویه از ابن ادریس فقهی بوده و در کتاب تهذیب و استبصار انعکاس یافته است.

۳. محمد بن حسن بن احمد بن ولید

ابن ولید ۶۰ روایت را در کتب اربعه از احمد بن ادریس نقل می‌کند. این روایات، روایات فقهی بوده و در دو کتاب تهذیب و استبصار نقل شده است. حدود نیمی از این روایات توسط احمد بن محمد بن حسن بن احمد بن ولید، فرزند محمد بن حسن بن احمد بن ولید، تحت عنوان "احمد بن محمد بن حسن بن احمد بن ولید عن ابيه عن احمد بن ادریس" است و بقیه با عنوان محمد بن حسن است. نجاشی کنیه وی را ابوجعفر ذکر نموده و او را شیخ القمیین و فقیه و متقدم و وجه قمی‌ها معرفی می‌کند و گفته می‌شود وی ساکن قم بوده و اصالتاً قمی نبوده است. نجاشی دوبار کلمه ثقه را در مورد او به کار می‌برد و عنوان عین و مسکون الیه را به او نسبت می‌دهد. کتب و تصنیفاتی داشته که کتاب تفسیر القرآن و کتاب الجامع از او است. ابن ولید در سال ۳۴۳ وفات نمود.^{۳۶}

۳۱. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۶۸.

۳۲. ر.ک: تهذیب، ج ۷، ص ۲۷۹ و ج ۸، ص ۲۳۹.

۳۳. ر.ک: الغیبه طوسی، ص ۳۰۸.

۳۴. ر.ک: بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۲۵.

۳۵. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۲۶۲.

۳۶. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۸۴.

اعتماد راوی دقیقی مانند ابن ولید به احمد بن ادریس قابل توجه و نشان از اعتماد وی به ابن ادریس است. شاید بتوان روایاتی را که ابن ولید از ابن ادریس و او از محمد بن احمد بن یحیی بن عمران به نقل از افرادی که خود ابن ولید روایاتشان را استثنا کرده (در بررسی محمد بن احمد بن یحیی گذشت) در اعتماد به ابن ادریس جستجو نمود.

۴. محمد بن یعقوب الکلینی

کلینی ۱۰۸۶ روایت را از احمد بن ادریس نقل نموده است. کلینی در کتاب کافی، تمامی این روایات را بدون واسطه و با عنوان احمد بن ادریس و ابوعلی اشعری قمی نقل می‌کند. حجم و تعداد قابل توجه روایات کلینی از احمد بن ادریس نشان عظمت و بزرگی و اعتماد کلینی به این راوی است. از این تعداد، حدود هفتاد روایت اعتقادی و بقیه فقهی و یا اخلاقی است.

نام او محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی و کنیه وی ابو جعفر است. شیخ و بزرگ اصحاب در زمان خود در ری بوده و مورد اعتمادترین مردم در حدیث و اثب و اضبط در حدیث بوده است. کلینی در سال ۳۲۹ ق در سال تناثر نجوم در بغداد وفات نمود. محمد بن جعفر الحسنی معروف به ابوقیراط بر جنازه او نماز خواند و در باب الکوفة بغداد به خاک سپرده شد.^{۳۷}

احمد بن ادریس در عده کلینی به احمد بن محمد بن عیسی در کنار محمد بن یحیی و داود بن کوره و علی بن موسی کمندانی و علی بن ابراهیم نیز حضور دارد.^{۳۸}

احمد بن ادریس دو فرزند دارد که هر دو از روایان حدیث بوده و جزء مشایخ مرحوم صدوق هستند؛ نام آنها حسن بن احمد بن ادریس و حسین بن احمد ادریس است. این دو برادر از پدر خود روایاتی را در کتب اربعه و غیر آن نقل کرده‌اند.

حسین با عنوان الحسین بن احمد بن ادریس ۴ روایت را در کتاب تهذیب از پدر خود احمد بن ادریس نقل نموده است. این روایات را محمد بن احمد بن داوود قمی به نقل از حسین بن احمد بن ادریس از احمد بن ادریس نقل کرده است. البته به جز یک روایت، در سه روایت دیگر نام حسن بن احمد بن ادریس آمده که بنا بر تحقیق انجام شده در اصل حسین بن احمد بن ادریس بوده است. شیخ در رجال در باب من لم یرو عنهم علیه السلام نام او را با عنوان حسین بن احمد بن ادریس قمی اشعری اباعبدالله ذکر می‌کند تلعهبری از او روایت کرده و حسین بن احمد به او اجازه نقل روایت داده است.^{۳۹}

در همین باب تحت عنوان باب الحاء بار دیگر نام او را ذکر می‌کند و می‌گوید محمد بن علی بن حسین بن بابویه - شیخ صدوق - از او روایت نقل می‌کند.^{۴۰} درباره وی وثیق و یا مدح در کتاب رجال وجود ندارد.

حسن بن احمد بن ادریس در کتب اربعه دو روایت دارد که یک روایت با عنوان «الحسن بن احمد بن ادریس» است و روایت دیگر با عنوان حسن بن احمد بن ادریس قمی. با عنوان اول در جلد ششم تهذیب صفحه

^{۳۷}. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۷۸.

^{۳۸}. ر.ک: خلاصة الاقوال، ص ۲۷۲.

^{۳۹}. رجال شیخ، ص ۴۲۳.

^{۴۰}. همان، ص ۴۲۵.

۸۵ روایتی با این سند نقل شده است:

محمد بن احمد بن داوود عن الحسن بن احمد بن ادريس عن ابيه عن علي بن الحسين عن عبدالله بن موسى عن احمد بن محمد بن ابی نصر.

روایت دوم:

محمد بن احمد بن داوود القمی عن الحسن بن احمد بن ادريس القمی قال حدثنا ابی قال حدثنا الحسن بن علی الدقاق عن ابراهيم بن الزيات قال حدثني محمد بن سليمان زرقان وكيل الجعفری الیمانی قال حدثني الصادق بن الصادق علی بن محمد صاحب العسکر عليه السلام.^{۴۱}

با توجه به تحقیق انجام شده در نرم افزار درایه النور، این دو روایت در ذیل عنوان الحسین بن احمد بن ادريس قمی آمده که قبلاً به آن اشاره شد و در واقع حسن را تصحیف حسین می‌دانند. بنابراین نظر، حسن بن احمد وجود خارجی نداشته و دو روایتی که از او نقل شد در واقع روایت حسین بوده است اما با مراجعه به آثار مرحوم صدوق نظیر *عیون الاخبار الرضا*، *الخصال*، *کمال الدین و معانی الاخبار* روایات متعددی مشاهده می‌شود که شیخ صدوق آنها را از حسن بن احمد بن ادريس به نقل از پدرش احمد بن ادريس قمی نقل می‌کند و بعید است که تمامی این موارد تصحیف یا تحریف از نام حسین بن احمد بن ادريس باشد.

شاگردان فهرستی ابن ادريس عبارتند از احمد بن جعفر بن سفیان که نام او از همه بیش تر در کتب فهرست ذکر شده است. نام وی در حدود ۳۴ طریق وجود دارد. احمد بن محمد بن یحیی العطار نیز از شاگردان فهرستی اوست که در حدود یازده طریق حضور دارد.

هارون بن موسی تلعبری را نیز باید از شاگردان ابن ادريس به شمار آورد. شیخ طوسی در ذیل نام ابن ادريس، تلعبری را راوی از او دانسته، تلعبری در خانه ابن همام احادیث کمی را از ابن ادريس شنیده و اجازه نقل روایت از وی نداشته است.^{۴۲}

نام اصلی ابن همام، محمد بن ابی بکر همام بن سهیل الکاتب الاسکافی است. وی کثیر الحدیث و دارای جایگاه والایی بوده و در سال ۳۳۶ وفات نموده است. با توجه به برخی قرائن^{۴۳} وی ساکن بغداد بوده و طبق گزارش شیخ از تلعبری، ابن ادريس در بغداد و در منزل ابن همام احادیثی را برای هارون بن موسی تلعبری نقل نموده است.

ج. معاصران

احمد بن ادريس متوفای ۳۰۶ ق است و طبعاً راویانی که در حدود سال‌های ۲۷۰ تا ۳۰۰ ق بوده‌اند جزء راویان هم طبقه وی خواهند بود. از آنجا که احمد بن ادريس از مشایخ کلینی است و در ابتدای اسناد کافی قرار دارد، افرادی هم که در ابتدای اسناد کتاب کافی باشند، هم طبقه احمد بن ادريس خواهند بود.

^{۴۱}. *المزار* (مفید)، ص ۲۰۲.

^{۴۲}. ر.ک: *رجال طوسی*، ص ۴۱۱.

^{۴۳}. کشتی در گزارشی نام محمد بن همام بغدادی را ذکر کرده است. ر.ک: *اختیار معرفة الرجال*، ۲۵۹.

محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی از راویانی است که کلینی روایات زیادی را از او نقل می کند، نجاشی وی را شیخ اصحاب در زمان خودش، ثقه و عین و کثیر الحدیث معرفی می کند برخی کتاب های او عبارتند از کتاب مقتل الحسین علیه السلام و کتاب النوادر.^{۴۴}

محمد بن الحسن بن فروخ الصفار از راویان هم طبقه احمد بن ادریس است، نجاشی وی را وجه اصحاب قمی و ثقه و عظیم القدر و قلیل السقط در روایات معرفی می کند. کتاب های متعددی داشته است از جمله کتاب الصلاة، کتاب الوضوء کتاب الجنائز و کتب دیگر. اما مهم ترین کتاب و معروف ترین کتاب های او بصائر الدرجات است که روایات آن در مقام و منزلت ائمه علیهم السلام است. ابن ولید تمام کتاب های او به جز بصائر الدرجات نقل کرده است.^{۴۵}

عبدالله بن جعفر الحمیری از راویان بزرگ شیعه و از معاصران احمد بن ادریس است. کنیه او ابوالعباس قمی و ثقه است. کتب متعددی از جمله کتاب الدلائل و کتاب الطب و کتاب الامامة و غیرهم دارد. کتاب معروف وی قرب الاسناد است.^{۴۶}

سعد بن عبدالله بن ابی خلف الاشعری القمی، کنیه وی ابوالقاسم و از معاصران احمد بن ادریس است. شیخ الطائفة و فقیه و وجه اصحاب بوده است. با مشایخ عامه ملاقات نموده و از آنان روایات زیادی را شنیده است. با امام حسن عسکری علیه السلام هم ملاقات داشته است.

سعد بن عبدالله کتب متعددی از جمله کتاب الصلوة، کتاب الزکاة و کتاب الصوم و کتب دیگر دارد اما معروف ترین آنها کتاب الرحمة است. وی در سال ۳۰۱ و به نقلی در سال ۲۹۹ ق وفات نموده است.^{۴۷} علی بن ابراهیم بن هاشم ابوالحسن القمی، او نیز از معاصران احمد بن ادریس است که در روایات زیادی در ابتدای اسناد کافی نام او موجود است و کلینی روایات زیادی را از او نقل می کند. کتاب معروف وی کتاب تفسیر است که به تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر قمی شهرت دارد.

نجاشی او را ثقه در نقل حدیث و ثبت و معتمد و صحیح المذهب معرفی می کند.^{۴۸} با بررسی طرق کتاب فهرست طوسی، به موارد عدیده ای برخورد می کنیم که در آن ها سه نفر که با احمد بن ادریس معاصر هستند، همراه با خود ابن ادریس در طریق واقع شده اند. این افراد عبارتند از سعد بن عبدالله، عبد الله بن جعفر حمیری و محمد بن یحیی. به عنوان مثال در طریق شیخ طوسی به کتب حریر چنین آمده است:

«اخبرنا عدة من اصحابنا عن محمد بن علی بن الحسین عن ابيه عن سعد بن عبد الله و عبد الله بن

جعفر (حمیری) و محمد بن یحیی و احمد بن ادریس و علی بن موسی بن جعفر کلهم عن احمد بن

۴۴. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۳۵۴.

۴۵. ر.ک: همان، ص ۳۵۵.

۴۶. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۳۹۴.

۴۷. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۷۸.

۴۸. ر.ک: همان، ص ۲۶۱.

از این دست طرق در کتاب فهرست طوسی فراوان است و نشان از ارتباط گسترده علمی بین این افراد در نقل کتب و آثار راویان و مؤلفان شیعه دارد، زیرا همگی آنها در نهایت از یک نفر نقل کرده‌اند.

د. ارتباط با امام

تاریخ ولادت احمد بن ادريس معلوم نیست اما با توجه به تاریخ وفات او در سال ۳۰۶ ق حداقل زمان امام حسن عسگری علیه السلام را درک نموده است.

چنان که قبلاً به آن اشاره شد، شیخ طوسی در کتاب رجال در باب اصحاب امام حسن عسگری علیه السلام نام وی را ذکر کرده و می‌گوید: با امام ملاقات داشته، اما روایت نکرده است. با مراجعه به اساتید و روایات نیز روایتی که مستقیماً از امام نقل کند، وجود ندارد.

کم‌ترین تعداد واسطه نقل در روایات ابن ادريس مربوط به کتاب کافی جلد اول صفحه ۹۷ است که احمد بن ادريس از احمد بن اسحاق روایت می‌کند که به امام هادی علیه السلام مکاتبه نموده است.

در سه مورد نیز از امام حسن عسگری علیه السلام با یک واسطه نقل می‌نماید؛ مورد اول در کتاب کافی جلد سوم صفحه ۳۹۹ است که ابن ادريس از محمد بن عبدالجبار نقل می‌کند که او به امام عسگری نامه می‌نویسد، مورد دوم در کتاب تهذیب جلد ۲ ص ۲۰۷ است که کلینی از ابن ادريس و او از محمد بن عبدالجبار نقل می‌نماید و مکاتبه‌ای که محمد بن عبدالجبار با امام عسگری علیه السلام داشته است، مورد سوم در کتاب استبصار جلد اول ص ۳۸۵ است که محمد بن یعقوب از احمد بن ادريس و او از محمد بن عبدالجبار روایت می‌کند این روایت نیز مکاتبه‌ای است که محمد بن عبدالجبار با امام عسگری علیه السلام داشته است.

آثار

احمد بن ادريس قمی از راویانی است که تألیفات زیادی نداشته گرچه نام او در سند بسیاری از روایات به چشم می‌خورد. بنابراین وی جنبه انتقال دهنده میراث حدیث داشته و در این زمینه حضور فعالی دارد. تنها کتابی که به وی نسبت داده می‌شود کتاب **نوادیر** است که بسیاری از راویان حدیث شیعه کتابی با این عنوان داشته‌اند. نجاشی این کتاب را از عده‌ای از اصحاب به صورت اجازه از احمد بن جعفر بن سفیان گزارش کرده است.^{۵۰}

شیخ در فهرست، طریق به کتاب ذکر نمی‌کند و طریق خود به روایات او را حسین بن عبدالله به نقل از احمد بن جعفر بن سفیان بن البزوفری عن احمد بن ادريس معرفی می‌کند.^{۵۱} مرحوم خوبی طریق شیخ به احمد بن ادريس در فهرست را به علت وجود احمد بن جعفر بن سفیان ضعیف

۴۹. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۱۶۳.

۵۰. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۹۲.

۵۱. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۶۵.

می‌داند، اما طریق شیخ در مشیخه را صحیح می‌داند.^{۵۲}

نام احمد بن ادريس در حدود ۱۰۰ طریق از طرق کتاب‌های فهرست نجاشی و فهرست طوسی آمده است که رقم بالایی به شمار می‌رود. در تمامی این موارد در طریق نجاشی و شیخ به کتب و تصانیف اصحاب، نام احمد بن ادريس وجود دارد که حکایت از کثیر الاجازه بودن وی در نقل کتب و تصانیف راویان حدیث می‌کند.

با بررسی طرق مذکور می‌توان تا حدودی میراث حدیثی را که ابن ادريس منتقل کرده است ترسیم نمود که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

کتاب و روایات علی بن یقطين که عبارتند از کتاب *ما سئل من الصادق من الملاحم، مسائل ابی الحسن موسی* و کتاب *مناظرة الشاک بحضرتہ*. ابن ادريس به همراه سعد بن عبدالله، حمیری و محمد بن یحیی العطار این کتاب‌ها را از احمد بن محمد بن عیسی از حسن بن علی بن یقطين نقل کرده است.^{۵۳}

کتاب و روایات فضل بن شاذان. فضل فقیه و متکلم بوده و کتب زیادی داشته است. از جمله کتاب *الفرائض* و کتاب *الطلاق* در فقه و کتاب *الرد علی الغلاة* و کتاب *الرد علی المرجئة*. غالب تألیفات فضل کلامی و در رد فرقه‌هایی مانند غلات و خوارج است. احمد بن ادريس با واسطه ابن قتیبه نیشابوری از فضل بن شاذان این کتاب‌ها را منتقل نموده است.^{۵۴} طریق شیخ طوسی و نجاشی به آثار فضل همین طریق است. شیخ طوسی علاوه بر این طریق، طریق دیگری نیز به کتاب دارد. در این طریق شیخ صدوق از حمزه بن محمد علوی از قنبر بن علی بن شاذان از پدر خود که برادر فضل است، از فضل بن شاذان روایت کرده است.^{۵۵}

با توجه به این گزارش‌ها احمد بن ادريس را باید یکی از شاخه‌های اصلی انتقال آثار فضل به قم دانست. از آنجا که گزارشی از حضور ابن قتیبه نیشابوری در قم وجود ندارد به احتمال زیاد ابن ادريس برای اجازه و نقل آثار فضل بن شاذان سفری به نیشابور داشته است.

کتاب محمد بن اسماعیل بن بزيع. این فرد کتاب‌هایی از جمله کتاب الحج داشته است. میراث حدیثی ابن بزيع توسط سعد بن عبدالله، حمیری، احمد بن ادريس و محمد بن یحیی از احمد بن محمد بن عیسی و محمد بن حسین بن ابی الخطاب انتقال یافته است.^{۵۶}

کتاب احمد بن محمد بن عیسی اشعری که دارای تألیفات زیادی است از جمله کتاب التوحید، کتاب *المتعة، نوادر و ناسخ و منسوخ*. میراث احمد اشعری را کلینی به نقل از علی بن ابراهیم، محمد بن یحیی، علی بن موسی بن جعفر، داود بن کوره و احمد بن ادريس از احمد بن محمد بن عیسی منتقل نموده است.^{۵۷} احمد اشعری از سر شاخه‌های انتقال میراث حدیثی کوفه به قم است و در طبقه بعد، شاگردان اصلی وی از جمله احمد

^{۵۲}. ر.ک: معجم رجال حدیث، ج ۲، ص ۴۳.

^{۵۳}. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۲۷۱.

^{۵۴}. ر.ک: همان، ص ۳۶۳.

^{۵۵}. ر.ک: همان.

^{۵۶}. ر.ک: همان، ص ۴۴۱.

^{۵۷}. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۸۳.

بن ادريس نقش ویژه‌ای در انتشار این میراث حدیثی در قم داشتند.

کتاب صفوان بن یحیی که درباره او گفته شده کتاب‌هایی مانند کتب حسین بن سعید داشته است. احمد بن ادريس به همراه صفار، سعد بن عبد الله و محمد بن یحیی از طریق محمد بن الحسین بن ابی الخطاب و یعقوب بن یزید انباری میراث صفوان بن یحیی را انتقال داده است.^{۵۸} محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محدثان کوفه و یعقوب بن یزید انباری از نویسندگان دربار منتصر عباسی در بغداد بوده است. با توجه به این نکته، صفار، سعد بن عبد الله، محمد بن یحیی و ابن ادريس با کوفه و بغداد در ارتباط بوده و به احتمال زیاد به آنجا سفر کرده‌اند چنان که در شرح حال برخی از آنان مانند سعد بن عبد الله به سفرهای متعدد وی برای طلب حدیث اشاره شده است.^{۵۹}

کتاب حریر بن عبد الله سجستانی. وی کتاب‌های مختلفی از جمله کتاب الصلاة، کتاب الزکاة، کتاب الصیام و کتاب النوادر دارد که به گفته شیخ "تعد کلها فی الاصول". این میراث حدیثی را سعد بن عبد الله، حمیری، محمد بن یحیی، علی بن موسی بن جعفر و ابن ادريس به نقل از احمد بن محمد بن عیسی اشعری از حسین بن سعید و علی بن حدید و عبد الرحمان بن ابی نجران از حماد بن عیسی جهنی از حریر گزارش کرده‌اند.^{۶۰}

کتاب حسین بن سعید اهوازی، کتاب‌های سی‌گانه حسین بن سعید از شهرت فراوانی برخوردار بوده و دارای نسخه‌های فراوان و مشهوری بوده است. نجاشی به این کتاب‌ها طرق متعددی دارد اما طریقی که مورد اعتماد اصحاب است طریقی است که احمد بن ادريس اشعری از احمد بن محمد بن عیسی اشعری از حسین بن سعید نقل نموده است.^{۶۱} با توجه به این گزارش راوی آثار حدیثی حسین بن سعید از احمد اشعری، احمد بن ادريس بوده علاوه بر این که نجاشی این طریق را مورد اعتماد اصحاب می‌داند.

ابن ادريس در طریق کتب علی بن مهزیار اهوازی، حسن بن علی بن فضال، سلمه بن الخطاب، ابن قتیبه نیشابوری و محمد بن علی بن محبوب اشعری و بسیاری کتب دیگر نیز حضور دارد که از شهرت کم‌تری نسبت به کتاب‌های مطرح شده برخوردار هستند.

با دقت در طریق آثار یاد شده، وجود احمد اشعری در بسیاری از طرقی که ابن ادريس آن را گزارش نموده دیده می‌شود و چنان که اشاره شد احمد بن محمد بن عیسی برجسته‌ترین استاد وی در انتقال میراث مکتوب راویان است.

نتیجه‌گیری

۱. غالب مشایخ ابن ادريس مانند احمد بن محمد بن عیسی منتقل کننده میراث حدیثی کوفه به قم هستند و خود ابن ادريس نیز تنها یک تألیف از او گزارش شده اما در طریق بسیاری از آثار قرار داشته و جنبه انتقال

^{۵۸}. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۲۴۳.

^{۵۹}. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۱۷۸.

^{۶۰}. ر.ک: فهرست طوسی، ص ۱۶۳.

^{۶۱}. ر.ک: رجال نجاشی، ص ۵۹.

دهندگی او برجسته است.

۲. برخی از مشایخ با واسطه یا بی‌واسطه وی متهم به جعل، وضع و یا غلو شده و تضعیف شده‌اند با این حال در مورد خود ابن ادریس در منابع رجالی کوچک‌ترین نکته منفی وجود ندارد و این نکته از بهترین شواهد بر متن محور بودن قدما در قبول یا رد روایات است.

۳. تنوع آثاری که ابن ادریس منتقل نموده قابل توجه است. علاوه بر آثار فقهی، آثار کلامی فراوان مانند: میراث حدیثی فضل بن شاذان نیز در میان آن‌ها به چشم می‌خورد.

۴. احمد بن ادریس به همراه سعد بن عبدالله، حمیری و محمد بن یحیی العطار منتقل کننده بسیاری از آثار حدیث کوفه با واسطه احمد بن محمد بن عیسی و در برخی موارد بدون واسطه و از طریق مشایخ کوفه هستند.

۵. با بررسی و دقت در آثاری که ابن ادریس منتقل نموده به احتمال زیاد وی نیز مانند سعد بن عبدالله مسافرت‌های حدیثی به نقاطی مانند: کوفه، بغداد و نیشابور داشته هر چند در منابع موجود انعکاس نیافته است.

۱. بحار الانوار، علامه مجلسی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲. تاریخ قم، حسن بن محمد قمی، قم: آستانه مقدسه، چاپ دوم، ۱۳۸۸ش.
۳. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴. جامع الرواة، اردبیلی، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۳ق.
۵. خلاصة الاقوال، علامه حلی، نجف اشرف: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۶. رجال ابن غضائری، ابن غضائری، قم: دار الحدیث، ۱۳۶۴ش.
۷. رجال الطوسی، شیخ طوسی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳ش.
۸. رجال الکشی، ابو عمرو کشی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ق.
۹. رجال نجاشی، نجاشی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۵ش.
۱۰. الغیبة، شیخ طوسی، قم: دار المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۱ق.
۱۱. فلاح السائل و نجاح المسائل، سید بن طاووس، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ق.
۱۲. الفهرست، شیخ طوسی، قم: کتابخانه محقق طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۱۳. قاموس الرجال، علامه تستری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۰ق.
۱۴. الکافی، شیخ کلینی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۵. لسان المیزان، ابن حجر عسقلانی، بیروت: اعلمی، ۱۳۹۰ق.
۱۶. المزار، شیخ مفید، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۷. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
۱۸. معجم رجال الحدیث، آیت الله خویی، بیروت: بی نا، بی تا.